



Imam Sadiq Research Institute  
for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://ijs.isri.ac.ir>

Autumn 2025 & Winter 2026

## Characteristics of Imam Musa Sadr's Civilizational Thought

Mohammadreza Mahmoudi\*, Mohammad Zargani\*\*, Sharif Lakzaee\*\*\*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.517625.1180>

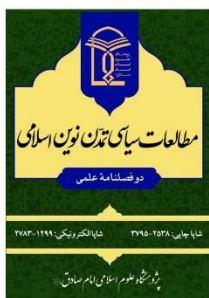
Received: 2025/08/21 - Revised: 2025/10/03 - Accepted: 2025/10/17

Article Type: Promotional Article

### Abstract

In the contemporary historical context—where modern Western civilization seeks, increasingly, to consolidate its dominance over the Islamic world—the nature and the means by which a new Islamic civilization can be realized constitute among the fundamental issues that Islamic thinkers must address with logical and realistic answers. During his twenty-year presence in Lebanon, Imam Musa Sadr, the leader of Shi'a Muslims in that country, presented a successful model of Islamic civilization in both thought and practice. This article analyzes Imam Musa Sadr's civilizational thinking through a descriptive-analytical method and identifies the characteristics of his civilizational ideas. These include: (a) religion-centeredness, meaning the comprehensive presence of Islam—juridically, ethically, and intellectually—in the process of civilizational building; (b) humanity and the preservation of human dignity as the criterion of civilizational progress; (c) pluralism alongside unity, meaning the acceptance of diverse ideas, sects, and denominations within society while maintaining the principles of social cohesion; and (d) anti-imperialism, meaning the rejection of the oppressive dominance of Western civilization—and particularly of the Zionist regime—as both a product and a symbol of Western civilization.

**Keywords:** Imam Musa Sadr, New Islamic Civilization, Civilization, Islamic World.



\*. PhD Graduate in the History of Twelver Shi'ism, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author). Email: mm1367@chmail.ir.

\*\* Assistant Professor, Department of the History of Twelver Shi'ism, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. Email: m.zargani@urs.ac.ir.

\*\*\* Associate Professor, Department of Political Science, Political Research Institute, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. Email: sharif@isca.ac.ir.





پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 2783-1299 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگه شهری: http://sjs.isri.ac.ir

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

## ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر

محمدرضا محمودی\*، محمدزرقانی\*\*، شریف لکزایی\*\*\*

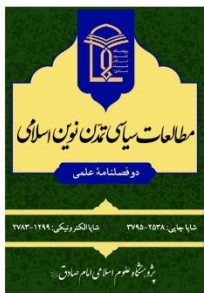
Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.517625.1180>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵  
نوع مقاله: ترویجی

### چکیده

در شرایط تاریخی معاصر، که تمدن مدرن غرب بیش از پیش در صدد تحکیم سلطه خود بر جهان اسلام است، چپستی و چگونگی تحقق تمدن نوین اسلامی، از جمله مسائل اساسی است که متفکران اسلامی باید پاسخی منطقی و واقع‌بینانه برای آن داشته باشند. امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، در مدت حضور بیست‌ساله خود در این کشور، در عرصه نظر و عمل، الگوی موفقی از اسلام تمدنی ارائه کرد. در این مقاله، تمدن اندیشی امام موسی صدر به روش توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شده و ویژگی‌های اندیشه تمدنی این عالم شیعی احصا شده است که عبارت‌اند از: الف. دین محوری به معنای حضور همه‌جانبه اسلام از منظر فقهی، اخلاقی و فکری در عرصه تمدن‌سازی؛ ب. انسانیت و حفظ کرامت انسانی، به‌منزله معیار پیشرفت تمدنی؛ ج. تکثرپذیری در عین وحدت‌گرایی، به معنای پذیرش اندیشه‌ها، فرقه‌ها و مذاهب متنوع در جامعه با حفظ اصول انسجام اجتماعی؛ د. استکبارستیزی، به معنای نفی سلطه ظالمانه تمدن غرب، و به‌ویژه رژیم صهیونیستی، به‌مثابه مولود و نماد تمدن غرب.

**واژگان کلیدی:** امام موسی صدر، تمدن نوین اسلامی، تمدن، جهان اسلام.



- \* دانش‌آموخته دکتری تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)، mm1367@chmail.ir
- \*\* استادیار گروه تاریخ تشیع اثنی عشری، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، m.zargani@urs.ac.ir
- \*\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران، sharif@isca.ac.ir

## مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و فراهم شدن زمینه حضور آموزه‌های اسلام در عرصه سیاست و حکمرانی، مباحثی مانند احیا هویت تاریخی مسلمانان و ایجاد تمدن نوین اسلامی در گفتمان اندیشمندان مسلمان، به صورت گسترده‌تر و جدی‌تر از گذشته مطرح شده است. همچنین با رهنمودها و هدایت‌های رهبر شهید انقلاب مبنی بر احیای تمدن نوین اسلامی، به منزله آرمان انقلاب اسلامی، و تحلیل گذار از پیچ تاریخی و تمدنی که در دل آن قرار گرفته‌ایم، این موضوع اهمیت مضاعفی یافت؛ از این رو، انجام پژوهش‌هایی برای تبیین مبانی، ابعاد و اضلاع تمدن اسلامی بیش از پیش ضروری است.

یکی از علما و رهبران شیعه در دوران معاصر، که دغدغه احیای تمدن اسلامی را داشت، امام موسی صدر است. ایشان با نظام فکری منسجمی که در مقالات و سخنرانی‌هایش ارائه کرد، ویژگی‌های اندیشه تمدن‌ساز خود را بیان کرده است و با توجه به موفقیت چشمگیری که در حضور بیست ساله خود در لبنان به دست آورد، می‌تواند همچون الگویی موفق در دوران کنونی مورد استفاده قرار بگیرد.

امام موسی صدر تعریف ویژه خود را از تمدن دارد و ترکیب مدنیت و فرهنگ را تمدن می‌نامد و در تبیین دو مفهوم مدنیت و فرهنگ می‌گوید: «مدنیت و فرهنگ، برای تبیین این دو مفهوم باید گفت که فرهنگ، حیات معنوی انسان‌ها و شامل علوم، فنون، فلسفه، قانون‌گذاری، ادبیات و هنر است. مدنیت نیز ساحت ظاهری و جلوه بیرونی زندگی انسان‌های شهرنشین است؛ مانند سامان‌دهی، آبادانی، سازندگی، آبرسانی و مانند آن. تمدن، ترکیبی از این دو مفهوم است که البته با هر دوی آن‌ها تفاوت دارد. حالت‌های ذهنی و درونی انسان، هنگامی که در زندگی شخصی بازتاب می‌یابد و در ایجاد مدنیت تأثیر می‌گذارد، تمدن نامیده می‌شود. (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۰۴) ایشان تمدن را مفهومی کلان‌تر و پیچیده‌تر از مدنیت و فرهنگ می‌داند و ترکیب حیات معنوی و حیات مادی انسان‌ها را تمدن می‌نامد. درحقیقت، امام موسی صدر نیز مانند اغلب متفکران اسلامی، بر تأثیر ارزش‌های معنوی و دینی بر زندگی دنیوی و درنهایت، تمدن‌سازی تأکید دارد.

امام موسی صدر به صراحت اعلام می‌کند که اسلام همان‌گونه که در گذشته تمدن‌سازی کرده است، در آینده نیز می‌تواند تمدنی حقیقی و انسانی به وجود آورد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۳۶۳).

دین‌محوری، انسانیت و کرامت انسانی، تکرپذیری در عین وحدت‌گرایی، و استکبارستیزی، چهار ویژگی اندیشه تمدنی امام موسی صدر است که در این مقاله به تبیین و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

در این پژوهش، با رویکرد تمدنی و با روش توصیفی و تحلیلی، به تجزیه و تحلیل اندیشه‌های امام موسی صدر می‌پردازیم و به پرسش اصلی این مقاله پاسخ خواهیم داد: ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر در جهان اسلام چیست؟ چرا که معتقدیم ایشان از ابتدای حضورش در لبنان، با رویکردی تمدنی کنشگری می‌کرد و دغدغه ارائه یک الگوی تمدنی از اسلام، در لبنان و جهان اسلام را داشت. می‌توان با تحلیل الگوی تمدنی ایشان، به بسیاری از مسائل کنونی، که در ایجاد تمدن نوین اسلامی بدان نیازمندیم، پاسخ داد.

پیرامون اندیشه و عمل امام موسی صدر، پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ اما جنبه‌های تمدنی اندیشه ایشان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شریف لک زایی (۱۳۹۸) در مقاله «علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر» اندیشه امام موسی صدر را با رویکردی تمدنی تحلیل کرده است. ولی مقاله مذکور ناظر به گذشته تمدن اسلامی و عوامل عقب‌ماندگی مسلمانان است و به بررسی ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر پرداخته است. در واقع، وجه نوآوری آن مقاله در این است که به احیا و ایجاد تمدن اسلامی که ناظر به آینده است، می‌پردازد.

در مقاله دیگری به قلم شریف لک زایی (۱۴۰۲) با عنوان «چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر»، زوایای تمدن اندیشی امام موسی صدر مورد تبیین قرار گرفته است. مقاله یادشده ناظر به نقد تمدن مدرن غرب است و با توجه به اقتضای موضوع، به تمدن اسلامی نیز پرداخته شده است؛ در حالی که مقاله پیش‌رو ناظر به تمدن نوین اسلامی است و در آن به اقتضای موضوع، به نقد تمدن غرب پرداخته‌ایم.

در مقاله دیگری با عنوان «مؤلفه‌های تمدن‌ساز در اندیشه امام موسی صدر» به قلم محمدرضا محمودی و دیگران (۱۴۰۳)، مؤلفه‌ها و عناصر تمدن‌ساز، از جمله علم و دانش، حضور انسانی زن در خانواده و جامعه، اخلاق و معنویت، عدالت و آزادی، از منظر امام موسی صدر تحلیل و بررسی شده است. اما تمام زوایای اندیشه تمدنی ایشان، مانند تکثرپذیری، استکبارستیزی و کرامت انسانی، را که در این مقاله بررسی شده است، مورد توجه قرار نداده است.

احمدپور (۱۴۰۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اندیشه تمدنی امام موسی صدر، با رویکرد انتقادی از تمدن غرب» به اندیشه تمدنی امام موسی صدر پرداخته است، اما تمرکز اصلی مقاله‌اش، بر نقد تمدن غرب است؛ درحالی‌که در مقاله فرارو، بر ویژگی‌های اندیشه تمدنی متمرکز شده‌ایم و به تفصیل به آن‌ها پرداخته‌ایم.

### ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر

#### ۱- دین‌محوری

نخستین ویژگی اندیشه تمدنی امام موسی صدر دین‌محوری است. ایشان معتقد است سیر تحولات تاریخی بشر به سوی پیشرفت توأمان با ارزش‌ها و دانش نبوده است؛ زیرا تمدن غرب بر مبنای سکولاریسم و با به انزوای ارزش‌های دینی به وجود آمده است. از این رو، نمی‌توان آن را تمدنی که سعادت را برای بشریت به ارمغان آورده است، به حساب آورد و باید بار دیگر تمدنی دینی و اسلامی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی به وجود آورد.

بنابراین، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر، دین‌محوری است. ایشان اسلام را مکتبی تمدن‌ساز و پیشرو می‌داند و معتقد است که اسلام همان‌گونه که در گذشته تمدن‌ساز بوده است، در آینده نیز می‌تواند تمدن حقیقی انسانی و فرهنگ نوبه‌نو انسانی به وجود آورد و جامعه انسانی کامل یا آنچه را آرمان‌شهر یا مدینه فاضله می‌نامند، پایه‌گذاری کند (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳: ۳۶۴).

امام موسی صدر در سخنرانی‌های خود، از اندیشه تمدنی مالک بن نبی، فیلسوف برجسته الجزایری - که امام موسی صدر با او دیدار داشته و در مورد تمدن با ایشان گفت‌وگو

و مباحثه داشته است - متأثر است و اندیشه او را تأیید می‌کند. مالک بن نبی نیز از رابطه دین و تمدن سخن گفته است و انسان، خاک و زمان را عناصر تشکیل دهنده یک تمدن می‌داند؛ اما تصریح می‌کند وجود این عناصر به تنهایی به ایجاد تمدن منجر نمی‌شود، بلکه ایجاد تمدن به «خمیرمایه تمدنی» نیاز دارد که این خمیرمایه، «اندیشه دینی» است، درحقیقت، «اندیشه دینی» روح و کالبد تمدن است (الویری و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

بدیهی است اندیشه اسلام سیاسی و تمدنی، در تقابل با روح حاکم بر تمدن مدرن غرب است، که براساس تفکر سکولار، ادیان را در حیطه زندگی فردی محدود می‌کند و رسالت اجتماعی، سیاسی و... برای دین قائل نیست؛ ازاین رو، دین مسیحیت و نهاد کلیسا در تمدن غرب، نقش کنشگری فعالانه در تحولات سیاسی و اجتماعی ندارد.

درحقیقت، امام موسی صدر نه تنها اسلام را دینی با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های حکمرانی در یک کشور می‌داند، بلکه فراتر از آن، دین اسلام را تمدن‌ساز معرفی می‌کند؛ به نحوی که قابلیت ایجاد کلان ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... برای پاسخگویی به نیازهای انبوه و متراکم بشریت، نه صرفاً مسلمانان، در اسلام وجود دارد.

مالک بن نبی نیز معتقد است انسانی که تفکر دینی را پذیرفته و آن‌گاه آن را با عنصر «زمان» و «خاک» مرتبط می‌کند، می‌تواند هماهنگی، انسجام و کنشگری فعالانه برای صورت‌بندی تمدن جدید فراهم کند (بابایی، ۱۳۹۳: ۲۷۷).

امام موسی صدر برای دین، نقش سازندگی و آبادانی توأمان دنیا و آخرت قائل است. ایشان سازندگی دینی را محدود به ساخت مسجد و کلیسا یا محدود به اعمال دینی، چون نماز و روزه، نمی‌داند، بلکه سازندگی دینی را هر آن چیزی که برآمده از تمدن انسان و نقش انسان در زندگی باشد و هر چیزی که از نتیجه فعالیت انسان در مدت زندگی‌اش باشد، می‌داند (صدر، ۱۴۰۰: ۲۲).

در واقع، امام موسی صدر نقش رهبری و هدایتگری تمدنی برای اسلام قائل است. ایشان در تبیین نقش دین در جهان امروز، از اینکه در جهان غرب ادیان به حاشیه رانده شده‌اند و منزوی گردیده‌اند و به جای رهبری، رهرو تمدن غرب شده‌اند، انتقاد می‌کند. امام موسی

صدر معتقد است در کاروان تمدن جدید، دین نقش رهبری ندارد؛ فرمان‌بردار است نه پیشوا؛ منفعل است نه اثرگذار؛ با حشمت و شکوه، پشت سر این کاروان حرکت می‌کند (صدر، ۱۴۰۰: ۲۲).

امام موسی صدر، ریشه مشکلات بشریت در جهان امروز، مانند استثمار، استعمار، کشمکش و طغیان جنسی، را برآمده از تمدن غرب می‌داند؛ همان تمدنی که براساس سکولاریسم و کنار گذاشتن دین از صحنه زندگی به وجود آمده است، تمدنی زمینی که آسمان را نادیده گرفته است (صدر، ۱۴۰۰: ۲۹). ازاین رو، پی‌ریزی تمدنی نوین بر معیار ارزش‌های اسلامی که زمین و آسمان و ملک و ملکوت را توأمان در نظر بگیرد. از الزامات جهان امروز، تمدنی است که بتواند سعادت دنیا و آخرت را با هم فراهم کند.

پیرامون وظیفه دین در پیشرفت بشریت، تعریف و تبیین امام موسی صدر بدیع و خلاقانه است. ایشان پیشرفت را تعامل و تأثیر متقابل میان انسان و جهان می‌داند و وظیفه دین را ساماندهی روابط میان انسان و جهان معرفی می‌کند (صدر، ۱۴۰۰: ۷۶۹). براساس این تعریف، سه عنصر اصلی تحولات تاریخ، انسان، طبیعت و دین هستند و نقش دین، به‌عنوان رهبر و پیشرو، در این معادله در نظر گرفته شده است. بنابراین، دین پیشران اصلی پیشرفت و تمدن‌سازی است. ایشان ژرف‌اندیشی در جهان و دین را به‌صورت توأمان لازم و ضروری می‌داند و معتقد است که دین هم باید متناسب با مقتضیات زمان خود در چهارچوب اصولش بروز کند تا بتواند پاسخگوی نیازهای متراکم و انبوه انسان‌ها باشد؛ چراکه اساساً تمدن‌ها باید بتوانند پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی بشریت در مقیاس جهانی و در بازه زمانی طولانی باشند، وگرنه نام تمدن بر آن‌ها نمی‌توان نهاد.

امام موسی صدر، تمدن مطلوب را تمدنی می‌داند که بر دین توحیدی بنا شده باشد و چنین تمدنی، مسیری کلی که برای انسان ترسیم می‌کند، این است که با موهبت‌های الهی خویش، در پی رسیدن به جهان آخرت باشد و درعین حال، بهره خود را از این عالم فراموش نکند. ازاین رو، آرمان این انسان متمدن، بالاتر از گردآوری مال یا به دست آوردن بزرگی و مجد و کسب آسایش و راحتی است (صدر، ۱۴۰۱: ۷۱).

امام موسی صدر جهان بینی توحیدی را یکی از ارکان اساسی تمدن دینی می داند و تفسیر هستی براساس حضور خدا در تمام امور فردی و اجتماعی را زیربنای تمدن سازی و مبنای ساماندهی تعامل انسان و جهان می داند. ایشان معتقد است تمدن دینی، تمدنی است که به وجود خدا و به آثار عمیق او در زندگی ما اقرار می کند؛ یعنی خدا در نهاد ما و در دل ماست و از رگ گردن به ما نزدیک تر است (صدر، ۱۴۰۱: ۷۲). بدیهی است در تمدنی که انسان ها حضور خداوند را - خدایی که صاحب اسمای حسناست و حکیم، علیم، قدیر، رحیم و... است و از پدر و مادر دلسوزتر و مهربان تر، و از هر قدرتی، قدرتمندتر است - هر لحظه در کنار خود احساس کنند، هیچ گاه در مقابل سختی ها و مشکلات زندگی، احساس ضعف نخواهند کرد و آرامشی که فراتر از آسایش دنیوی است، خواهند داشت و در برابر چالش های تمدن سازی و حفظ تمدن، پایدارتر خواهند بود.

امام موسی صدر، حوزه های مفهومی تمدن را در هفت بخش تقسیم می کند و نقش دین و تأثیر اسلام در این حوزه های تمدنی را بسیار اساسی و حیاتی می داند، که عبارت اند از: ۱. روابط اخلاقی انسان ها؛ ۲. روابط حقوقی؛ ۳. علوم؛ ۴. فنونی که در زندگی اجتماعی اثر می گذارد؛ ۵. تعلیم و تربیت مدنی؛ ۶. تلاش برای صلح و دوستی؛ ۷. تشکل های اجتماعی، مانند خانواده، دولت، احزاب و مؤسسات انجمن ها (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۰۴). اخلاق و روابط معنوی بین انسان ها، یکی از مهم ترین حوزه های حیات بشری است که تأثیر ویژه ای در تکوین تمدن ها دارد. امام موسی صدر در توضیح نقش اسلام در تربیت اخلاقی انسان ها بر این مسئله تأکید دارد که آموزه های اخلاقی اسلام موجب انسجام و استحکام اجتماعی جامعه است؛ آموزه هایی مانند مردم دوستی، گرم، تواضع، خوش رویی، کتمان مشکلات، عیادت بیماران، ادب حضور، قدردانی از صالحان، نکوهش فاسدان، حیا، عفو و عذر پذیری، که موجب تعالی روح و افزایش تعاون و محبت در جامعه است. در واقع، اسلام به فرد این حقیقت را می فهماند که تو تنها نیستی و جزئی از جامعه هستی (لک زایی، ۱۳۸۴: ۹۴). درحقیقت، آموزه های اخلاقی از آنجا که بر فطرت انسان ها بنا شده اند، نقش پررنگی در انسجام اجتماعی جوامع دارند. طبیعی است که در جوامع بشری

بین افراد انسجام و وحدت فکری کامل وجود نداشته باشد، اما چنانچه توسط آموزه‌های اخلاقی و انسانی، انسجام اجتماعی‌شان حفظ شود، این جامعه به سوی تعالی و توسعه حرکت می‌کند. بنابراین، در تمدن‌سازی، حفظ انسجام اجتماعی به اندازه حفظ انسجام فکری، حائز اهمیت است.

ایشان نمونه‌های شکوهمندی از آیات و روایات درباره مناسبات اخلاقی اسلامی را نام می‌برد که می‌تواند الگویی برای جامعه فعلی مسلمانان باشد. جالب‌تر آنکه تحلیلی کلان و تمدنی از آموزه‌های اخلاقی ارائه می‌دهد، مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)؛ همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند، یا توصیه اسلام به همدلی و همدردی بین همسایه‌ها، به نحوی که به خدا و روز قیامت ایمان نیاورده است، کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد. از این رو، معتقد است: «مسئولیت مردم یک سرزمین، مسئولیتی است مشترک. پس اگر در یک منطقه، یک نفر براث فقر و گرسنگی یا بیماری از دنیا رفت، خداوند به این منطقه التفاتی نمی‌کند.» (لکزایی، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

در واقع، این رهنمودهای اخلاقی در چهارچوب تحلیل‌های تمدنی تفسیر شده است؛ برای نمونه، آموزه «اگر انسان سیر باشد و به فکر همسایه مظلوم و گرسنه‌اش نباشد، ایمان ندارد» به امت اسلامی تعمیم داده شده است و اگر کشوری از امت اسلامی در رفاه باشد و کشور همسایه آن، در فقر و محرومیت به سر ببرد، این وظیفه دینی و اخلاقی کشور مرفه است که به کمک مردم محروم و مظلوم در کشور همسایه بشتابد.

امام موسی صدر حتی روابط حقوقی و فقهی، که اسلام برای اداره امور اجتماع وضع کرده است، برپایه اخلاق می‌داند؛ چراکه هدف نبوت، آراسته شدن انسان‌ها به اخلاق الهی است. بنابراین، اسلام برای دست یافتن به چنین هدفی، در زندگی عملی و اجتماعی انسان دخالت می‌کند و نظام قانونی گسترده‌ای در چهارچوب حلال و حرام وضع می‌کند. (صدر، ۱۴۰۱: ۴۲)

مبانی فقهی و حقوقی در اسلام از نگاه امام موسی صدر، مبتنی بر اخلاق اسلامی و درعین حال، شامل تمام امور فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... است. از این رو، فقه و

حقوق اسلامی هرآنچه که برای انسان‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نیازمندیم، پاسخگوست؛ چراکه از جانب خدای تعالی است، که آفریننده جهان است و تمام ابعاد وجود عالم ظواهر و بواطن آن را می‌داند. هم‌چنین خالق انسان است و آگاه به تمام ابعاد وجودی انسان، نیازها و تمایلات اوست (صدر، ۱۴۰۱: ۴۳). بشریت با این قوانین می‌تواند به تعامل احسن با نظام هستی بپردازد و پیشرفت و تحول را در تاریخ رقم بزند و تمدنی برتر بیافریند.

امام موسی صدر معتقد است که تشریح اسلامی قدرت دارد تا آخر جوابگوی احتیاجات انسان عصر جدید خود باشد و دامنه علم فقه نیز برحسب نیازمندی‌های کل جامعه انسانی گسترده شده است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۰۷-۱۰۸).

از دیگر مؤلفه‌های مهم در تمدن‌سازی، توجه به علم و دانش است. وجود دانشمندان برجسته و نظریه‌پردازی‌های علمی همواره جزء پیشران‌های اصلی تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است. بنابراین، چنانچه دین اسلام، که پایه اصلی تمدن‌سازی در اندیشه امام موسی صدر است، با علم همراه و هم‌سو باشد و علم‌آموزی را تأیید و تشویق کند، مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی هموارتر خواهد بود.

بی‌شک، از برجسته‌ترین شاخص‌های اثبات تمدن اسلامی در قرون اولیه هجری، وجود دانشمندان، نظریه‌پردازان و مراکز علمی متعدد بوده است. جورج سارتون، از مورخان بزرگ علم در قرن بیستم، به‌صراحت اعلام می‌کند که مسلمانان حدود ۴ قرن، رهبری بلامنزاع علم در جهان را بر عهده داشتند و هر ۵۰ سال را به‌نام یکی از دانشمندان مسلمان نام‌گذاری می‌کند؛ مانند عصر جابر بن حیان، عصر خوارزمی و عصر رازی (گلشنی، ۱۳۹۸: ۱۹). وجود آیات و روایات متعدد در منابع اسلامی، مانند آیات قرآن و احادیث مبنی بر فضیلت دانشمندان و ضرورت کسب علم و دانش، از جمله عوامل گسترش علوم در دوران تمدن اسلامی بوده است.

یکی از مؤلفه‌های قدرت تمدن غرب مدرن نیز دستاوردهای بزرگ علمی آن است و جمله مشهور از فرانسیس بیکن که «دانش قدرت است»، راهبرد تمدنی غرب مدرن بوده

است. هرچند به باور بسیاری از اندیشمندان، در تمدن مدرن غرب، برتری علمی و فناوری برای ایجاد آسایش در انسان‌ها، بر برتری معنوی و روحی غلبه کرده است؛ همچنان این معیار، همچون شاخص اصلی برتری تمدنی غرب قرار گرفته است (بابایی، ۱۴۰۱: ۳۹).

از منظر امام موسی صدر، هیچ تعارضی بین علم و دین نیست و بین این دو پیوندی ابدی است و این دو، سرانجام انسان و تکامل او را رقم می‌زنند (لکنزایی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). از این رو، ایشان علم را در کنار دین، ابزاری برای پیشرفت و تکامل تمدن بشری دانسته و علم را راهی برای شناخت حقیقت برمی‌شمارد. نوری که برای دیدن واقعیت‌هاست و دین را ارتباط انسان با خدا و موجودات می‌نامد. علم که کاشف حقیقت است، در واقع، جهان هستی را که فعل خداست، به ما می‌شناساند. بنابراین، با گسترش آگاهی و کشف حقایق هستی، ایمان ما ژرف‌تر می‌شود. امام موسی صدر، رویکرد تمدن غرب در دین‌ستیزی را به نقد می‌کشد و علم بدون دین را تکیه بر آب می‌داند (صدر، ۱۴۰۰: ۴۶ و ۴۷ و ۵۷). ایشان در جمله‌ای بسیار معنادار می‌گوید: «علم از انسان سرچشمه می‌گیرد. سرآغاز علم، انسان است؛ ولی سرآغاز خود انسان، دین است.» (صدر، ۱۴۰۰: ۵۶)

درحقیقت، آرامش روحی، معنای زندگی و درمان اضطراب‌های بشری، تنها از عهده علم برنمی‌آید و دین می‌تواند در این امور، نقش‌آفرینی اساسی کند. از این رو، تمدنی که مبتنی بر علم و دین باشد، تمدنی کامل و پیشرفته است.

امام موسی صدر، غایت تمدن را نه فقط دانش و فناوری، بلکه سعادت‌مند کردن انسان‌ها می‌داند. درحقیقت، ایشان گسترش انسانیت را معیار حقیقی رشد تمدنی می‌داند و معتقد است تمدن غرب در این عرصه موفق نبوده است (صدر، ۱۳۹۶، ج: ۱، ۳۰۸).

## ۲- انسانیت و کرامت انسانی

یکی دیگر از ویژگی‌های اندیشه تمدنی امام موسی صدر، اهمیت و جایگاه ویژه نقش انسان در ایجاد و ساخت تمدن‌هاست. ایشان معیار پیشرفت تمدن‌ها را «انسانیت» می‌داند و بر این نظر است که جامعه اساساً برای انسان و در خدمت انسان تکوین می‌یابد. بنابراین، معتقد است هر جامعه‌ای که انسانی‌تر باشد، پیشرفته‌تر است و هر جامعه‌ای که غیرانسانی‌تر

باشد، عقب مانده تر (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۴۲). این دیدگاه امام صدر دقیقاً منطبق بر نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر است؛ زمانی که او را به فرمانروایی مصر منصوب کرد: «دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف به مردم گردان و مبادا برای آنان چون جانور درنده ای عمل کنی که دریدنشان را غنیمت بدانی؛ زیرا مردم دو دسته اند: یا برادر دینی تو هستند، یا در خلقت انسانی با تو شریکند.» (نهج البلاغه: نامه ۵۳) مناسبت زمانی این نامه (آغاز حکمرانی یک فرماندار) درخور توجه است؛ یعنی در مقام حکومت و در ادامه تمدن سازی، باید به گونه ای عمل کرد که تمام انسان ها، فارغ از هر عقیده ای، در لوای تمدن اسلامی، احساس امنیت و آرامش کنند.

امام صدر معتقد است که تمدن غرب، برخلاف همه دستاوردهای مادی و علمی، تمدنی پیشرفته نیست؛ زیرا تمدن غرب از معیارهای انسانیت فاصله گرفته است و کرامت انسان ها را لگدمال کرده است. ایشان برای نمونه، از وضعیت نژادپرستی در آمریکا نام می برد و آن را در تضاد با کرامت انسانی می داند. از نظر امام صدر، وقتی سفیدپوست را برتر بدانیم، یعنی نژاد را ارج نهاده ایم و نه کلیت انسان را. ایشان حمایت های آمریکا، از رژیم نژادپرست صهیونیسم، جنگ ویتنام، استعمار سایر ملت ها، بهره کشی از میلیون ها کارگر در نظام سرمایه داری با حداقل دستمزد، را جلوه های دیگر تمدن غربی می داند که در آن کرامت انسان ها، پایمال شده و انسانیت انسان نادیده گرفته شده است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۴۳). نگاهی که امام موسی صدر به انسان دارد، فراتر از منطقه، نژاد یا مذهبی خاص است؛ بلکه به انسان، از آن رو که انسان است، نظر دارد. مالک بن نبی نیز مهم ترین عنصر تمدن سازی را انسان می داند؛ زیرا انسان تنها یک فرد نوعی نیست، بلکه موجودی پیچیده است که می تواند بین عناصر اساسی تمدن، ارتباط مؤثر ایجاد کند و تولیدکننده تمدن باشد (الویری و مطهری نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۸).

البته همان طور که قبلاً اشاره شد، انسان سازنده تمدن که مدنظر امام صدر و مالک بن نبی است، انسانی است که براساس اندیشه اسلامی عمل می کند. به معنای واضح تر، در اندیشه تمدنی امام موسی صدر، انسان ها با «جوهره اسلامی»، تمدن را برای خدمت به

انسان‌ها، فارغ از هر نژاد و مذهبی، می‌سازند و این یک چرخه متعالی است که به صورت فزاینده با تکثیر ارزش‌های انسانی و اسلامی به انسان‌سازی، جامعه‌سازی و درنهایت، تمدن‌سازی منجر می‌شود؛ چراکه در پرتو خدمت صادقانه به انسان، انسان‌ها به اندیشه اسلامی متمایل خواهند شد و در ادامه، بخشی از وظایف تمدنی‌شان را «خدمت به انسان» دانسته و به آن عمل خواهند کرد.

در نگاه اسلامی، منشأ ناسازگاری‌های بشری به طبیعت مادی انسان‌ها بازمی‌گردد؛ ولی بُعد فطری انسان‌ها که برخاسته از روح الهی است، منشأ ارزش‌هایی همچون وحدت، ایمان، توحید، محبت و ... است. از این رو، فطرت توحیدی می‌تواند بزرگ‌ترین سرمایه وحدت تمدنی باشد که در همه انسان‌ها، فارغ از نژاد و دین و مذهب، وجود دارد (بابایی، ۱۳۹۹ الف: ۴۲۹). براساس همین بُعد فطری انسان‌هاست که امام موسی صدر بر هماهنگی کامل دین و انسانیت تأکید می‌کند و اسلام را با مساوی با فطرت انسان‌ها می‌داند. از نظر وی، اگر اسلام را تسلیم بودن در برابر خدا بدانیم، بدین معناست که هرگاه کسی در جایگاه حقیقی خود در مجموعه هستی قرار بگیرد، آن فرد، مسلمان است و آن جایگاه حقیقی، چیزی نیست مگر انسانیت. پس اسلام انسان، انسانیت اوست (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۱۷۵). این‌گونه تعریف از اسلام را می‌توان فراگیرترین و تمدنی‌ترین تعریف از اسلام نامید که جهان‌شمول است.

در این سطح از تحلیل، تمدن نه در رابطه انسان و طبیعت، بلکه در روابط و مناسبات بین «انسان با انسان» تعریف می‌شود و تمدن نه به‌مثابه یک مجموعه درهم‌انداخته از عناصر و سازه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، بلکه به‌عنوان کلان‌ترین نظام مناسبات انسانی بازتعریف می‌شود (بابایی، ۱۳۹۹ ب: ۱۳۵). یعنی از نقطه عزیمت اسلامی و با حفظ اصول و ارزش‌هایمان بتوانیم با انسان‌های بیشتری مناسبات سازنده و دوسویه برقرار کنیم و به آن‌ها خدمت کنیم و اثرگذار باشیم.

امام موسی صدر نه‌تنها در حوزه اعتقادی به انسان‌گرایی دین معتقد است، حتی در احکام اسلامی نیز روح انسان‌گرایی را متجلی می‌داند؛ برای نمونه، ایشان در حوزه اقتصاد و

اجتماعی، تعبیر قرآن از ثروت به «فتنه» را به این دلیل می‌داند که مال بر انسان مسلط نشود و ثروت در دست ثروتمندان متمرکز نگردد و ابزاری برای سلطه بر دیگران و بهره‌کشی انسان‌ها نشود و در یک کلمه، گوهر الهی انسان، فدای مال و ثروت نگردد (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۱۷۹ و ۱۸۳). امام موسی صدر، مبتنی بر نگاه اسلام، انسان را مخلوقی می‌داند که در صفات بر صورت خالقش آفریده شده است، خلیفه خدا بر روی زمین، غایت هستی، آغاز و هدف جامعه و حرکت آفرین تاریخ است (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۱۷). از این رو، حفظ کرامت انسانی، از ویژگی‌های مهم تمدن اسلامی و عامل مؤثر در شکوفایی آن و ضامن پایایی و گسترش تمدن خواهد بود (واسعی، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

امام صدر در تحلیلی خلاقانه و زیبا، هدف ادیان را این‌گونه ترسیم کرده است: ادیان از خدایی واحد سرچشمه گرفته‌اند و برای مخاطبی واحد (انسان‌ها) نازل شده‌اند و میدان سرنوشت انسان‌ها (جهان هستی) واحد است. ایشان فراموش کردن هدف خدمت به انسان را عامل تفرقه‌ها و نزاع‌ها می‌داند و معتقد است که باید دوباره برای خدمت به انسان مستضعف تباه‌شده از هم‌گسیخته گرد هم آییم (صدر، ۱۳۹۶، ج ۵: ۲۰۰). ایشان در سخنرانی خود در کلیسای کبوشین بیروت، محور سخنانش را بر کرامت انسانی و خدمت به انسان بنا می‌کند و از حضرت مسیح علیه السلام شاهد می‌آورد، که می‌فرماید: «هرگز محبت خدا با دوست نداشتن انسان جمع نمی‌شود»، و به سخن پاپ استناد می‌کند، که می‌گوید: «این تجربه سترگی است که خشونت و اهانت‌هایی که در حق کرامت انسانی روا داشته می‌شود، پایان پذیرد» (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۱۶). امام موسی صدر، در این سخنرانی نه تنها از منظر اندیشه تمدنی عمل می‌کند و نگاه تمدنی خود را از کرامت انسانی ارائه می‌دهد، بلکه از منظر روشی هم هوشمندانه و تمدنی عمل می‌کند و سخن خود را از زبان بزرگان مسیحیت بیان می‌کند.

### ۳- تکثرپذیری در عین وحدت‌گرایی

ویژگی دیگر اندیشه تمدنی امام موسی صدر، پذیرش تکثر فرقه‌ها، ادیان و مذاهب در جامعه با حفظ اصول وحدت و انسجام اجتماعی است. ایشان وجود فرقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون

را نه تنها تهدید نمی‌داند، بلکه از نعمات الهی و فرصتی بی‌بدیل برای تمدن‌سازی برمی‌شمارد. ایشان رسالت تمدنی لبنان را در ارائه تجربه موفق هم‌زیستی فرقه‌ها به جهانیان می‌داند (صدر، ۱۳۹۹: ۴۴-۴۵).

اساساً مسئله وحدت و کثرت در ساحت‌های تمدنی، همواره مورد دغدغه اندیشمندان بوده است. از این رو، برخی معتقدند هر میزان که معیار و مؤلفه‌های اسلامی را آسان‌تر و سهل‌تر بگیریم و با معیارهای حداقلی برخورد کنیم، دامنه شمول و دربرگیرندگی اسلام بیش‌تر خواهد بود. بنابراین، باید با پذیرش بیشترین افراد، با کمترین ملاک‌های دینی از تکفیر عبور کنیم (بابایی، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

امام موسی صدر، تعدد فرقه‌ها را فرصتی برای تبادل معارف و تجارب تمدن‌ها می‌داند، که می‌تواند نیرویی عظیم و همه‌جانبه برای پیشرفت فراهم کند. این هم‌افزایی، فرصتی بی‌بدیل برای تمدن‌سازی فراهم می‌کند. از طرفی، ایشان فرقه‌گرایی و تعصبات را خطری برای جامعه اسلامی می‌داند که می‌تواند منجر به ازهم‌گسیختگی اجتماعی و درنهایت فروپاشی شود (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۱۶).

به باور برخی از اندیشمندان، نگاه امام صدر برگرفته از این اصل فلسفی ملاصدرا با عنوان «وحدت در کثرت و کثرت در وحدت» است (لکزایی، ۱۳۹۷: ۲۸۷). ایشان در سخنرانی خود پیرامون شخصیت امام علی علیه السلام، امام را جامع اضداد معرفی می‌کند و آن‌گاه در سطح تحلیلی فراتر، توحید را نیز به همین شیوه تبیین می‌کند؛ چراکه آفریدگار هستی یکی است، اما آفریده‌هایش متنوع و متکثرند و اینجاست که رمز هم‌گرایی وحدت و کثرت (در اصطلاح فلسفی) روشن می‌شود (صدر، ۱۴۰۱: ۲۰۱).

از منظر امام موسی صدر، دستاوردها و ثروت تمدنی و فرهنگی مذاهب و فرقه‌ها در کنار یکدیگر، می‌تواند منشأ خدمت به همه بشریت باشد. ایشان این نگاه را با استناد به آیه قرآن مستدل می‌کند: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده: ۴۸)؛ و اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت می‌ساخت، ولی خواست در آنچه به شما ارزانی داشته است، شما را بیازماید، پس در خیرات بر یکدیگر پیشی بگیرید. امام

صدر این آیه را ناظر به طبع رقابت طلب بشر می‌داند، رغبتی شرورانه و برتری جویانه؛ ولی معتقد است خداوند به این طبع بشری جهت الهی داده است و انسان‌ها را به سبقت در خیرات دعوت کرده است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۳۷). از این رو، وجود فرقه‌ها و تنوع در فرهنگ‌ها جزئی از سنت‌های الهی است؛ اما باید این تنوع در مسیر صلح و تعاون هدایت شود. «سبقت به خیرات» نیز دقیقاً به معنای هم‌افزایی، تعامل و دادوستد تمدنی میان مذاهب و فرقه‌ها برای خدمت به جامعه و بشریت انسانی است.

مبنای قرآنی دیگر که امام موسی صدر برای پذیرش تکثر فرقه‌ها و مذاهب در عین حفظ وحدت از آن بهره می‌برد، آیه ۱۳ سوره حجرات است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳).

ایشان معتقد است وقتی امتیازها و کمالات فرقه‌ها و مذاهب توسط یکدیگر به رسمیت شناخته شد و گروهی خود را برتر از دیگری ندانست و کمال دیگری را کمال خود دانست، در صدد ارتباط و هم‌بستگی بر خواهد آمد و در نهایت، همه منتفع خواهند شد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۱: ۴۳۳). ایشان بر اطمینان و احترام متقابل، به منزله دو مؤلفه لازم برای وحدت فرقه‌ها و مذاهب نام می‌برد (لک‌زایی، ۱۳۹۷: ۲۲۹). از این رو، عدم خودبرتری در بین فرقه‌ها و مذاهب منجر به احترام متقابل و عدم استیلاجویی خواهد شد و بر اثر اعتماد اجتماعی ایجاد شده، باب گفتگو، هم‌افزایی و دادوستد باز خواهد شد و تعالی همه‌جانبه جامعه رقم خواهد خورد و همه منتفع خواهند شد. این اصل در تحقق تمدن اسلامی مورد توجه اندیشمندان بسیاری بوده است (واسعی، ۱۳۹۹: ۲۱۳).

از منظر تمدنی، کارکرد نگاه برادرانه به پیروان سایر ادیان و فرق در انسجام اجتماعی جامعه جلوه‌گر می‌شود؛ چراکه تمدن‌ها در ظرف زمانی و مکانی گسترده شکل می‌گیرند. از این رو، تنوع ادیان و فرقه‌ها و نژادها در تمدن‌ها امری طبیعی است و داشتن راهبردی تمدنی برای حفظ انسجام اجتماعی جامعه، امری ضروری است؛ همان چیزی که امام موسی صدر به خوبی به آن پی برد و در مدت کوتاهی در لبنان اجرا کرد و به عنوان الگویی موفق مطرح ساخت.

ایشان در عمل نیز بر این اصل تمدنی خویش پایبند بود و تکرر فرقه‌ها، توأم با وحدت را به رسمیت می‌شناخت؛ برای نمونه، ایشان به مناسبت تقارن عاشورا و میلاد حضرت عیسی علیه السلام در ۲۲ دسامبر ۱۹۷۷، درحالی‌که لبنانی‌ها درگیر جنگ داخلی بودند، پیامی صادر، و همه فرقه‌ها و مذاهب لبنانی را به صلح، وحدت و همبستگی دعوت کرد، ایشان با تأکید بر ارزش‌های الهی و انسانی که حسین علیه السلام و مسیح علیه السلام برای آن مبارزه کردند، اتحاد تاریخی میان مسلمانان و مسیحیان را حتمی دانست و بر مبارزه با رژیم صهیونیستی تأکید کرد (صدر، ۱۴۰۱ الف: ۲۴). درحقیقت، امام موسی صدر مبارزه با ظلم و استکبار را پیونددهنده تشیع و مسیحیت قلمداد کرده و مصداق بارز استکبار را نیز رژیم صهیونیستی دانست که باید با آن مبارزه کرد.

حضور پی‌درپی امام موسی صدر در کلیساها، مساجد اهل سنت و... خود دلیل دیگری بر تطابق گفتار و رفتار وی در نظام فکری‌اش و تلاش برای تحقق مدینه فاضله و ارائه الگوی تمدنی در لبنان است. اوج تبلور این امر، در سخنرانی ایشان در کلیسای کبوشین بیروت است که بزرگان مسیحیت لبنان در بالاترین سطوح سیاسی و دینی در آن حضور داشتند. اقدام بعدی امام صدر، دعوت از علمای مسیحیت برای ایراد سخنرانی در نماز جمعه بود که متأسفانه به دلیل جنگ‌های داخلی محقق نشد.

ایشان در بسیاری از مجالس علمی و محافل اجتماعی اهل سنت شرکت می‌کرد و همواره در پی یافتن نقاط اشتراک در بین مسلمانان بود و بر وحدت شیعه و سنی تأکید داشت. سخنرانی امام موسی صدر، در همایش هشتم «مجمع البحوث الاسلامیه» در قاهره و در جمع علمای شیعه و سنی جهان اسلام، سخنرانی در نهمین همایش اندیشه اسلامی «ملتقی الفكر الاسلامی» در الجزایر، نمونه‌هایی از حضور اندیشمندانه ایشان در محافل اهل سنت است.

#### ۴- استکبارستیزی

چهارمین ویژگی اندیشه تمدنی امام موسی صدر، استکبارستیزی و مبارزه با ظالمان و نفی سلطه آنان است. بی‌شک، تصور پی‌ریزی تمدنی نوین برپایه ارزش‌های اسلامی و انسانی،

بدون اصطکاک و درگیری با تمدن مدرن غرب که بر پایه مادی‌گرایی و سلطه‌جویی شکل گرفته، تصویری خام و باطل است. از این رو، برخلاف تأکیدی که ایشان بر تکثرپذیری و وحدت فرقه‌ها و مذاهب دارد، اما این امر مانع از آن نمی‌شود که با مستکبران و نژادپرستان سازش کند و دست از مبارزه بردارد.

مبارزه قاطع و بی‌وقفه امام موسی صدر با رژیم صهیونیستی را باید در سطح یک چالش تمدنی تحلیل کنیم. مبارزه ایشان صرفاً یک نبرد سیاسی و یا فرقه‌ای بین مسلمانان و یهودیان نبود؛ او اسرائیل را یک چالش تمدنی برای شیعیان می‌داند که یا باید تسلیم آن شوند و یا با آن مبارزه کنند. تسلیم شدن که در مکتب تشیع معنا ندارد و تنها مبارزه باقی می‌ماند. ایشان مقابله با چالش اسرائیل را پاسخی تمدنی می‌داند (صدر، ۱۳۹۹ الف: ۵۶). امام صدر اسرائیل را نماد تمدن غرب می‌داند که بر پایه مادی‌گرایی و انکار ارزش‌های الهی و درنهایت، نژادپرستی و برتری‌جویی به وجود آمده است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۱).

امام موسی صدر با ارجاع به پروتکل‌های سردمداران صهیون استدلال می‌کند که تمدن جدید غرب در ریشه‌ها و اصولش از یهودیان تأثیر گرفته است و اساساً تمدن غرب تمدنی مسیحی نیست، بلکه تمدنی مادی‌گرا و یهودپایه است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱: ۳۰۸). این اندیشه که روح تمدن غربی، یهودیت است و نه مسیحیت، در افکار مالک بن نبی نیز منعکس شده است. او نیز از خطر تلاش یهودیان برای استیلا و تسخیر تمدنی جهان پرده برداشته است (میرزایی، ۱۳۹۹: ۵۹۹). مالک بن نبی در کتاب *وجهة العالم الاسلامی المسئلة اليهودیه* به تبیین چالش تمدنی یهود پرداخته است که البته به دلیل فشار جبهه جهانی تمدن غرب، انتشار این کتاب تا چهل سال پس از مرگش به تأخیر افتاد؛ همین قضیه نیز خود اثبات یهودپایه بودن تمدن غرب است. البته برخی از مورخان بزرگ غربی نیز یهودیت را زیربنای تمدن غرب دانسته‌اند؛ توین‌بی می‌گوید: «یهودیت و هلنیسم، سنگ‌بنای اصلی تمدن غرب هستند.» (توین‌بی، ۱۴۰۰: ۱۶)

امام موسی صدر، اسرائیل را مولود تمدن غرب می‌داند که بر مبنای خودخواهی و انکار خدا تشکیل شده است؛ تمدنی مادی و سرکش که با استعمار ملت‌ها به اوج رسید و اسرائیل

نماد کامل این تمدن در انحصارطلبی، بهره‌کشی، ستمگری، تفرقه‌افکنی نژادپرستانه و سنگدلی است (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۱۶۱). ایشان مصداق بارز و تام شر و ظلم و استکبار را رژیم صهیونیستی دانسته و در جملاتی قاطع می‌گوید: «ما اسرائیل را شر مطلق می‌دانیم. در دنیا هیچ چیز بدتر از اسرائیل نیست. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند، ما در کنار شیطان می‌ایستیم. اگر اسرائیل با کمونیسم بجنگد، ما در کنار کمونیسم می‌ایستیم...؛ این است معنای اسرائیل شر مطلق است.» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲: ۲۶۷) با این نگاه، جمله مشهور امام موسی صدر، که «اسرائیل شر مطلق است»، معنایی عمیق و تمدنی می‌یابد. از این رو، اسرائیل نماد تمدن استکباری مدرن است و نفی اسرائیل، نفی تمدن غرب است. ایشان علت مبارزه با اسرائیل و یهودیان را افکار نژادپرستانه و اندیشه برتری و تفوق بر بشر از سوی آن‌ها می‌داند؛ یعنی همان روحیه استکباری که در قرآن به شدت نفی شده است (صدر، ۱۴۰۱: ۴۲۱).

امام موسی صدر با استناد به آیات قرآن کریم، مبارزه با یهودیان و اسرائیل را از نظر شرعی کاملاً بدیهی می‌داند. از نظر ایشان، جنگ با اسرائیل، جنگ با عده‌ای از انسان‌ها نیست، بلکه نبردی با فساد و انحراف و ستم است که اساس تفکر یهودیان است. امام صدر آیه شریفه «وَصُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» (بقره، ۶۱) را امری می‌داند و نه اخباری؛ به همین دلیل معتقد است که مسئولیت مبارزه با صهیونیست‌ها و یهودیان بر دوش مسلمانان است؛ وگرنه آن‌ها بر ما مهر ذلت و بیچارگی خواهند زد (صدر، ۱۴۰۱: ۴۲۳). در همین راستا، به مهم‌ترین اصول برگرفته از قرآن در مبارزه و نفی سلطه ظالمان و بیگانگان، می‌توان به چهار اصل «تولی و تبری»، «نفی سبیل»، «جهاد» و «شهادت طلبی» اشاره کرد. شهید سلیمانی نیز در مبارزه با استکبار در منطقه، بر همین مبنا عمل می‌کرد (داوند، ۱۴۰۳: ۵۰)؛ اصولی که همواره سرلوحه تمام کسانی بوده است که با نگاهی تاریخی و تمدنی به مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌پرداختند.

جمله مشهور امام موسی صدر، که «نه ذلیلانه دست بیعت خواهم داد و نه چون بردگان از شما خواهم گریخت» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۲۳)، برگرفته از سخنان امام حسین علیه السلام و ناظر به مقاومت در برابر اسرائیل متجاوز است که این مقاومت، حتی اگر به مرگ و شهادت

نیز منجر شود، خود سلاحي قوی در مبارزه ملت‌هاست. این جمله می‌تواند به‌صورت راهبردی تمدنی برای پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی در نفی سلطه تمدن مدرن غرب مورد استفاده قرار بگیرد.

البته ایشان در مبارزه علیه ظلم و استکبار، صرفاً به ایراد سخنرانی و خطابه اکتفا نکرد، بلکه با راه‌اندازی جنبش امل به‌عنوان شاخه نظامی «حرکتة المحرومین» به آموزش نظامی جوانان شیعی علیه تجاوزات رژیم صهیونیستی پرداخت. امام صدر در کنفرانسی که برای معرفی جنبش امل برگزار کرد، نقشه راه جنبش را بر پایه فدا کردن همه دارایی‌های اعضا برای پاسداری از میهن و ایستادگی در برابر تجاوزهای اسرائیل اعلام کرد.

زمانی که منطقه شیخ در لبنان مورد حملات توپخانه‌ای رژیم صهیونیستی قرار گرفت، امام موسی صدر در مسجد صفا تحصن کرد و تا برگرداندن آرامش به منطقه کوتاه نیامد و سپس، در سخنرانی خود بر لزوم وحدت بین گروه‌های لبنانی سخن گفت و تأکید کرد که همه تفنگ‌ها باید به سمت دشمن اصلی که اسرائیل است، نشانه رود. ایشان هدف از ایجاد جنبش امل را دفاع از کرامت انسانی مردم جنوب در برابر تجاوز صهیونیست‌ها اعلام کرد (صدر، ۱۳۹۶، ج ۶: ۱۲۶ و ۱۳۱).

### نتیجه‌گیری

حضور مجاهدانه امام موسی صدر در لبنان، در کسوت عالمی شیعی، منشأ تحولات بزرگی در سرنوشت شیعیان لبنان و جهان اسلام شد. ایشان با رویکردی تمدنی، به رشد و تعالی جوامع اسلامی می‌اندیشید.

در این مقاله اثبات شد که امام موسی صدر در ساحتی تمدنی، اندیشه و کنشگری اجتماعی داشته است. او با نقدهای مبنایی و متعدد بر تمدن غرب، دغدغه ارائه الگویی موفق از اسلام تمدنی در لبنان داشت. ویژگی‌های اندیشه امام صدر برای تمدن‌سازی عبارت‌اند از:

۱. دین‌محوری، به معنای حضور همه‌جانبه اسلام از منظر فقهی، حقوقی، اخلاقی و فکری در ساخت تمدن نوین.

امام صدر برخلاف تفکر سکولار، که روح حاکم بر تمدن غرب است و دین را صرفاً در

حیطه زندگی فردی انسان‌ها محدود می‌کند، معتقد است که اسلام همان‌گونه که در گذشته تمدن‌ساز بوده است، در آینده نیز می‌تواند تمدن حقیقی و انسانی به وجود آورد.

۲. انسانیت و کرامت انسانی، ویژگی دیگر اندیشه تمدنی امام صدر است. ایشان معیار پیشرفت تمدن‌ها را در «انسانیت» و «خدمت به انسان» می‌داند. از دید ایشان، هر جامعه‌ای که انسانی‌تر باشد و در خدمت به انسان موفق‌تر باشد، پیشرفته‌تر است. از این رو، در تمدن‌سازی باید بر فطرت مشترک انسانی، فارغ از دین، مذهب و نژاد، تأکید کرد و در خدمت و تعالی نوع انسان کوشید.

۳. تکثرپذیری در عین وحدت‌گرایی، ویژگی دیگر اندیشه تمدنی امام موسی صدر است که الهام گرفته از اندیشه فلسفی ملاصدرا، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، بوده است. ایشان معتقد است تنوع فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در جامعه نه تنها تهدید نیست، بلکه فرصتی الهی برای تمدن‌سازی است. از این رو، فرقه‌ها و مذاهب با رعایت دو اصل احترام و اعتماد متقابل، می‌توانند به دادوستد و هم‌افزایی تمدنی بپردازند و این‌گونه همه جامعه منتفع خواهند شد.

۴. ویژگی دیگر اندیشه تمدنی امام صدر، استکبارستیزی و نفی سلطه تمدن غرب است. در واقع، نفی و نقد مبنایی تمدن غرب، مقدمه‌ای برای پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی است. ایشان معتقد است روح و باطن تمدن غرب، نه مسیحیت، بلکه تفکر مادی و نژادپرستانه یهودیت است؛ به همین دلیل، امام صدر اسرائیل را، نماد تمدن غرب، «شر مطلق» می‌نامد و بر مبارزه با آن تأکید می‌کند.

### تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

### تعارض منافع

این مطالعه برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

### منابع مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

## کتاب نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن سعد، محمد (۱۳۷۴). طبقات. (محمود مهدوی دامغانی، مترجم). تهران، فرهنگ و اندیشه. الویری، محسن، و مهدی نژاد، سید رضا (۱۳۹۲). رابطه دین و تمدن در اندیشه مالک بن نبی. تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۹، (۱۸)، ۱۶۳-۱۹۱.

بابایی، حبیب الله (۱۳۹۳). کاوش های نظری در الهیات و تمدن. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب الله (۱۳۹۹). تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب الله (۱۳۹۹). تنوع اسلامی در فرآیند تمدن. در جستارهای نظری در اسلام تمدنی (ص ۱۳۱-۱۵۵). قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بابایی، حبیب الله (۱۴۰۱). شاخص های تمدن در دو رویکرد عرفی و قدسی. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۲(۳)، ۳۳-۶۸.

توین بی، آرنولد (۱۴۰۰). تاریخ تمدن. (یعقوب آژند، مترجم). تهران، مولی.

داوند، محمد (۱۴۰۳). روش شناسی راهبردهای شهید سلیمانی در جهان اسلام. مطالعات بیداری اسلامی، ۱۳(۱)، ۳۳-۵۵. 20.1001.1.23225645.1403.13.1.2.3.55-33

صدر، موسی (۱۳۹۶). گام به گام با امام. (گروه مترجمان). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۳۹۹). آنچه خود گفت. (مهدی فرخیان، مترجم). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۳۹۹). سفر شهادت. (مهدی فرخیان و احمد ناظم، مترجمان). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۴۰۰). دین در جهان امروز. (احمد ناظم و حمیدرضا شریعتمداری، مترجمان). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۴۰۱). ادیان در خدمت انسان. تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۴۰۱). انسان آسمان. تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۴۰۱). زن و چالش های جامعه. (گروه مترجمان). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

صدر، موسی (۱۴۰۱). نای و نی. (علی حجتی کرمانی، مترجم). تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.

گلشنی، مهدی (۱۴۰۰). علم و دین در افق جهان بینی توحیدی. تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.

لکزایی، شریف (۱۳۸۴). فکر سیاسی امام موسی صدر. علوم سیاسی، ۸(۳۱)، ۱۸۱-۲۲۰.

لکزایی، شریف (۱۳۹۷). درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

لکزایی، شریف (۱۳۹۸). علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه تمدنی امام موسی صدر، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲(۳)، ۳۱۳-۳۲۸.

میرزایی، محمدعلی. (۱۳۹۹). بررسی کلی مفاهیم پایه تمدن اسلامی در اندیشه مالک بن نبی. در جستارهای نظری در اسلام تمدنی (ص ۵۷۰-۵۹۹). پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

واسعی، سید علیرضا (۱۳۹۹). امکان تمدن اسلامی در دنیای کنونی؛ نگاهی به مبانی و ظرفیت‌ها. در جستارهای نظری در اسلام تمدنی (ص ۱۹۳-۲۱۸). پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

## Transliterated Bibliography

The Holy Qur'an. [In Arabic]

Nahj al-Balaghah. [In Arabic]

Alviri, M., & Mahdinejad, S. R. (2013). The relationship between religion and civilization in Malik Bennabi's thought. *Tarikh va Tamaddon-e Eslami*, 9(18), 163–191. [In Persian].

Babaei, H. (2014). *Theoretical explorations in theology and civilization*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].

Babaei, H. (2020a). *Diversity and civilization in Islamic thought*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].

Babaei, H. (2020b). Islamic diversity in the process of civilization. In *Theoretical essays on civilizational Islam* (pp. 131–155). Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].

Babaei, H. (2022). Civilizational indicators in secular and sacred approaches. *Political Studies of the New Islamic Civilization*, 2(3), 33–68. [In Persian].

Davand, M. (2024). Methodology of Martyr Soleimani's strategies in the Islamic world. *Islamic Awakening Studies*, 13(1), 33–55. Dor: 20.1001.1.23225645.1403.13.1.2.3 [In Persian].

Fukuzawa, Y. (2000). *Theory of civilization* (C. Pahlavan, Trans.). Tehran: Giv. [In Persian].

- Golshani, M. (2021). *Science and religion in the horizon of a monotheistic worldview*. Tehran: Khajeh Nasir al-Din Tusi University of Technology. [In Persian].
- Ibn Sa'd, M. (1995). *Tabaqat* (M. Mahdavi Damghani, Trans.). Tehran: Farhang va Andisheh. [In Persian].
- Lakzaei, S. (2005). Imam Musa Sadr's political thought. *Political Science*, 8(31), 181–220. [In Persian].
- Lakzaei, S. (2018). *An introduction to Imam Musa Sadr's political thought*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].
- Lakzaei, S. (2019). Causes of civilizational weakness and backwardness of Islamic societies in Imam Musa Sadr's civilizational thought. *Fundamental Studies of the New Islamic Civilization*, 2(3), 313–328. [In Persian].
- Mirzaei, M. A. (2020). A general review of basic concepts of Islamic civilization in Malik Bennabi's thought. In *Theoretical essays on civilizational Islam* (pp. 570–599). Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].
- Sadr, M. (2017). *Step by step with the Imam* (Translators Group, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2020a). *The journey of martyrdom* (M. Farakhian & A. Nazem, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2020b). *What he himself said* (M. Farakhian, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2021). *Religion in today's world* (A. Nazem & H. Shari'atmadari, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2022a). *Nay va Ney* (A. Hojjati Kermani, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2022b). *Religions in the service of humanity*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2022c). *The heavenly human*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2022d). *Woman and the challenges of society* (Translators Group, Trans.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [In Persian].
- Toynbee, A. (2021). *A study of civilization* (Y. Azhang, Trans.). Tehran: Mola. [In Persian].
- Vase'i, S. A. (2020). The possibility of Islamic civilization in the contemporary world: A look at foundations and capacities. In *Theoretical essays on civilizational Islam* (pp. 193–218). Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian].